



بررسی عرصه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی از منظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه

علی صفاری محمدآبادی^۱، سیدمحمد قلمکاریان^۲

۱- نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش واحد پیربکران

۲- استاد راهنما، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور استان اصفهان

چکیده:

اقتصاد یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین ابعاد هر جامعه‌ای می‌باشد. در دین مبین اسلام، این بُعد مهم از جامعه مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. امام علی (ع) در مدت کوتاه حکومت خود، اصول اقتصادی سالم و اسلامی را در ابعاد مختلف نظری و عملی آن اجرا نمود و این نشان از حساسیت حضرت علی (ع) روی مناسبات اقتصادی است. در این پژوهش با استفاده از کتاب شریف نهج‌البلاغه، به بررسی سیاست‌های اقتصادی امیرالمؤمنین علی (ع) در اداره‌ی حکومت پرداختیم. روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی همراه با مطالعه‌ی کتابخانه‌ای می‌باشد. داده‌ها با استفاده از فرم‌های فیش برداری از منابع معتبر و گوناگون گردآوری گردید و در راستای تحقق اهداف این پژوهش، داده‌های جمع‌آوری شده به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها، یافته‌های پژوهش تعدادی از مهم‌ترین اصول تفکرات اقتصادی امام علی (ع) را آشکار ساخت که عبارتند از: مدیریت اقتصادی مطلوب، دستگاه قضایی عادل و مقتدر، جهاد اقتصادی، حمایت از فعالان عرصه‌ی اقتصاد، مبارزه و مقابله با مفساد اقتصادی و قناعت‌پیشگی و ساده‌زیستی در زندگی فردی و اجتماعی. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که رعایت اصول فوق در اداره‌ی جامعه، نویدبخش یک جامعه‌ی اسلامی مطابق با دیدگاه‌های امیرالمؤمنین علی (ع) در کتاب نهج‌البلاغه می‌باشد. **کلمات کلیدی:** اقتصاد، سیاست‌گذاری اقتصادی، نهج‌البلاغه، امام علی (ع).



مقدمه:

یکی از دغدغه‌های بشر از دیرباز تا کنون، مشکلات اقتصادی و فقدان رفاه و آسایش و گسترش روزافزون فقر است. فقر عامل بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلات گوناگون، در سطوح مختلف جامعه می‌باشد و بسیاری از ناهنجاری‌ها نشأت گرفته از فقر و ضعف اقتصادی است. (خسروی و لک‌زایی، ۱۳۹۵)

تربیت اقتصادی به منظور پرورش رفتار اقتصادی مطلوب، از دیرباز مورد توجه جوامع بشری قرار گرفته است. فرهنگ‌ها، نظام‌های سیاسی، تمدن‌ها و ادیان مختلف بشری به صورت آشکار و پنهان، در قالب آموزه‌های مختلف فلسفی، اخلاقی، فقهی و حقوقی به این موضوع اهتمام ورزیده‌اند و رفتارهای اقتصادی خاصی را به پیروان خود توصیه نموده‌اند. (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵)

اقتصاد^۱ از جمله مباحث کلیدی و اثرگذاری است که در اسلام و سیره ائمه (علیهم‌السلام) و به ویژه در سیره‌ی علوی بدان تأکید شده است و اقتصاد سالم را از اصول اساسی تحقق جامعه‌ی آرمانی دانسته‌اند. (معمدلدن‌گرودی و پرویش، ۱۳۹۸) از این رو اگر نگاهی گذرا به توصیه‌های گران‌بهای حضرت علی (ع) در کتاب شریف نهج‌البلاغه^۲ بیندازیم، خواهیم دید که امام (ع) همواره مسیر اقتصادی مطلوبی را برای اداره‌ی جامعه پیشنهاد نموده‌اند.

امیرالمؤمنین علی (ع) به عنوان پیشوای شیعیان، هم از لحاظ معنوی و هم از لحاظ کار، تلاش و فعالیت اقتصادی در نهایت کمال خود قرار داشت و در سیاست و هدایت جامعه نیز شخصیتی فوق‌العاده به شمار می‌رفت. به همین جهت کاملاً منطقی و واضح است که چنین انسان بزرگی وقتی از اقتصاد سخن می‌گوید، به یقین سخنان بسیار متفاوت‌تر از سخن کسانی است که از معنویت و فضیلت‌های انسانی به دور هستند. دوران حکومت امام علی (ع) بسیار کوتاه و آن هم همراه با درگیری‌ها و جنگ‌های فراوان داخلی بود؛ با این حال آن حضرت برای بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم، همت فراوانی داشت که ثمره‌ی آن ارتقای چشمگیر سطح زندگی مردم کوفه شد. (یوسفی، ۱۳۸۹) به گونه‌ای که خود آن حضرت (ع) وضعیت شهر کوفه در دوران خلافت خود را چنین توصیف نموده‌اند:

«ما أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدًا إِلَّا نَاعِمًا، إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنَزَلَةٌ لِيَأْكُلُ مِنَ الْبُرِّ وَيَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ؛ همه‌ی مردم کوفه از رفاه برخوردار گردیدند؛ چون پایین‌ترین آن‌ها (یعنی فقیرترین افراد جامعه) نان گندم می‌خورند و سرپناه مناسب دارند و از آب سالم فرات می‌نوشند.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج ۴۰، ص ۳۲۷)

بر طبق این سخن، جامعه‌ای که ضعیف‌ترین مردمان آن از غذای خوب (نان گندم) استفاده کنند، صاحب منزل مناسب شوند و از آب گوارا و محیط سالم زندگی بهره‌مند باشند، جامعه‌ایست که مردم آن امکانات اقتصادی مناسبی دارند و کسی برای امرار معاش و مخارج ضروری زندگی خود، مشکل جدی ندارد.

درباره‌ی مفهوم اقتصاد پس از بحث از ریشه‌ی «فَصَدَّ» به معنای اعتدال و میانه‌روی، دو مبحث از هم تفکیک می‌شوند: ۱- علم اقتصاد^۴ ۲- مکتب اقتصادی. «علم اقتصاد» که به بحث از تولید می‌پردازد و رابطه‌ی انسان را با محیط مورد بررسی

^۱Economy

^۲NAHJUL BALAGHAH (OR NAHJ AL-BALAGHAH)

^۳Imam Ali

^۴Economics



قرار می‌دهد و «مکتب اقتصادی» که به مبحث توزیع ثروت اشاره دارد. (حائری موسوی، اندیشه‌های اقتصادی در نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸)

معمد لنگرودی و پرویش (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان، بررسی شاخصه‌های اقتصاد سالم و آرمانی در سیره‌ی علوی با تأکید بر نامه‌ی پنجاه و سوم نهج‌البلاغه، به این نتیجه رسیدند که معیارهایی همچون، خودتکایی و وابسته نبودن به غیر، پرهیز از اسراف‌کاری، مبارزه‌ی بنیادی با احتکار و اختلاس، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی و مبارزه با رانت‌خواری از گزاره‌های نامه‌ی امام علی (ع) به مالک اشتر می‌باشد.

بهرامی و مهدیه (۱۳۹۶) در مقاله‌ی خود با عنوان، تحلیلی بر سازوکارهای عملی اقتصاد مقاومتی در نهج‌البلاغه با تکیه بر وظایف دولت، دریافته‌اند که مهم‌ترین وظایف عملی دولت از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) عبارتند از: اجرای عدالت اقتصادی، حمایت از فعالان اقتصادی، ایجاد امنیت اقتصادی، ایجاد رفاه معیشتی و اقتصادی برای عموم مردم و بازیابی جایگاه زهد در ساختار اقتصاد است.

علم‌الهدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان، روش‌شناسی اقتصاد اسلامی براساس عملکرد اقتصادی امام علی (ع) به این نتیجه رسید که، با بررسی حکومت امام علی (ع) به عنوان مصداقی کامل از حکومت اسلامی، می‌توان زوایای عملی و اجرایی احکام اسلامی و نیز وظایف مهم اقتصادی یک حکومت را شناسایی کرد.

جهان‌بین و نعمتی (۱۳۹۴) در مقاله‌ی خود با عنوان، معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج‌البلاغه دریافته‌اند که، تساوی در اصل دریافت حق، ایجاد فرصت برابر برای بالفعل کردن حقوق و فقرزدایی، سه معیار و کلید اصلی در تشخیص فرایند عادلانه در نظام اقتصادی اسلامی است و معیار سوم با توجه به رابطه‌ی اقتصاد و سازندگی اخلاقی جامعه و تأثیر اقتصاد در آن، تعیین می‌گردد.

مولایی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان، آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، دریافت که توصیه‌های اقتصادی امیرالمؤمنین علی (ع)، نویدبخش یک جامعه‌ی اسلامی مطابق با اندیشه‌های دینی می‌باشد. جامعه‌ای که در آن حقوق افراد، مطابق با استحقاق آن‌ها تأمین می‌شود و فقر و تکاثر ثروت و مفساد اقتصادی در جامعه به وجود نمی‌آید و همه‌ی مردم دارای یک زندگی سعادت‌مند در دنیا و آخرت می‌شوند.

یوسفی (۱۳۸۹) در مقاله‌ی خود با عنوان، سیره‌ی اقتصادی امام علی (ع) دریافت که، هنگامی که حضرت علی (ع) به حکومت رسید، وضعیت اقتصادی جامعه، به ویژه توزیع امکانات، بسیار نامناسب بود. لذا برای سامان دادن به این وضعیت، توزیع را به گونه‌ی مساوی انجام داد. همچنین از ذخیره‌سازی بیت‌المال و تأخیر در توزیع آن خودداری نمود. این قبیل از سیاست‌ها باعث شد تا وضعیت اقتصادی جامعه دگرگون گردد، فقر و بی‌عدالتی از بین رود و همه‌ی مردم کوفه از امکانات اولیه‌ی زندگی بهره‌مند شوند. امام علی (ع) در سیره‌ی اقتصادی شخصی خویش، بسیار اهل تلاش و تولید بود، اما در عرصه‌ی تخصیص درآمد شخصی برای هزینه‌های فردی خویش، به حداقل بسنده می‌کرد و درآمدهای حاصل از زحمات خود را در راه خدای متعال انفاق می‌نمود.

با کمال تأسف، اقتصاد اسلامی با همه‌ی تحقیقاتی که پیرامون آن انجام گرفته است، هنوز در پرده‌ای از ابهام قرار دارد و شاید اغراق نباشد اگر، ریشه‌ی بسیاری از مشکلات فعلی جامعه را در دوری از سیاست‌های اقتصادی و جهت‌گیری‌های



آن از اسلام ناب بدانیم؛ این درحالی است که نیاز به داشتن سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و مستند به اسناد اصیل اسلامی در نظام مقدس جمهوری اسلامی، غیرقابل انکار و الزامی می‌باشد. نظام جمهوری اسلامی ایران در طول چند دهه‌ی گذشته، تجربیات گرانقدری داشته است که اگر با بینش اسلامی و عزم و اراده‌ی ملی توأم شوند، وضعیّت فعلی را به سمت مطلوب‌تری هدایت خواهند نمود. آنچه در این نوشتار ملاحظه می‌فرمایید، الهام‌گیری مستقیم از دستورات و رهنمودهای حکومتی حضرت علی(ع) با عنایت به نیازهای امروزه‌ی جامعه‌ی ما در عرصه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی^۱ می‌باشد. (سیف، ۱۳۹۷)

یکی از منابع مهم دینی برای استخراج دستورالعمل‌های لازم برای تربیت اقتصادی، سخنان گهربار و کلیدی امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) در کتاب نهج‌البلاغه می‌باشد. پس با توجه به اهمیت بسیار این منبع عالمانه و روحانی، انجام پژوهشی در این زمینه ضرورت می‌یابد. لذا با توجه به موارد مطرح شده و پیشینه‌ی مورد بررسی، جای خالی پژوهشی که به طور دقیق به بررسی تربیت اقتصادی حاکمان جامعه، از منظر امام علی(ع) در کتاب نهج‌البلاغه بپردازد، احساس می‌شود. از این رو در این پژوهش، برای آشنایی اقتصاددان‌های عزیز با توصیه‌های مفید و مؤثر حضرت علی(ع) در زمینه‌ی اقتصاد، به این موضوع مهم خواهیم پرداخت. امید است که شما عزیزان را به مطالب مفیدی رهنمون سازیم.

روش تحقیق:

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی همراه با مطالعه‌ی کتابخانه‌ای می‌باشد. به این صورت که ابتدا با استفاده از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای به مطالعه‌ی کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و مجلات پیشین در این حوزه پرداخته شد و مطالب و عوامل مرتبط با تربیت اقتصادی در نهج‌البلاغه، با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری از منابع گوناگون و معتبر گردآوری گردید و در راستای تحقق اهداف این پژوهش، داده‌های جمع‌آوری شده به صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها:

اقتصاد یکی از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین ارکان شکل‌گیری یک جامعه می‌باشد؛ اگر سیاست‌های اقتصادی جامعه‌ای مبتنی بر اصول و ضوابط صحیح و برنامه‌ریزی شده‌ای باشد، این امر باعث توسعه و پیشرفت اقتصادی آن جامعه می‌شود و فاصله‌ی اقتصادی بین طبقات جامعه را کاهش می‌دهد.

امام علی(ع) در طول دوره‌ی حکومتش، تلاش‌های بسیاری برای ایجاد اصلاحات و مبارزه با مفاسد اقتصادی انجام داد و در موارد متعددی شاخصه‌ها و خصوصیات عرصه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی را بیان نموده است. (معتدل‌نگرودی و پرویش، ۱۳۹۸) ایشان در زمینه‌ی بینش اقتصادی و تحقق رفتارهای صحیح اقتصادی، جهت‌گیری‌های نظری و عملی منحصر به فردی داشتند و برای ترویج، تقویت و تعمیم رفتارهای صحیح اقتصادی در جامعه، بر پابندی به اصولی تأکید نموده‌اند. (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵) اینک به موارد مهمی از این اصول می‌پردازیم.

^۱Economic policy area

Arch

**6TH International conference ON
PSYCHOLOGY
OF EDUCATION SCIENCES AND
LIFESTYLE**

Tbilisi - Georgia

September 2020



COMSTECH Inter-Islamic
Network on Virtual Universities





۱- مدیریت اقتصادی مطلوب:

آنچه مسلم و قطعیت این است که، هر جامعه و قومی برای رسیدن به مقاصد و اهداف خود، به رهبر و مدیری مدبر و شایسته نیازمند است. حقیقتی که حضرت علی (ع) این گونه به آن اشاره می‌فرماید:

«إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيَجْمَعُ بِهِ الْفِيءَ وَيُقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَتَأْمِنُ بِهِ السُّبُلُ وَيُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ» (خطبه ۴۰)

(در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند، تا مؤمنان در سایه‌ی حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند، به وسیله‌ی حکومت بیت‌المال جمع آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند.)

برطبق این سخن ارزشمند اگر یک مدیر، وظایف خود را به درستی انجام دهد، می‌تواند ثبات و امنیت را برای مردم جامعه‌ی خود به ارمغان آورد و از گسترش فقر و نابسامانی در ابعاد مختلف جامعه از جمله اقتصاد، جلوگیری نماید. در مقابل مدیر ناشایست باعث ویرانی و گسترش فقر در جامعه‌ی اسلامی می‌شود. امام علی (ع) درباره‌ی چنین آفت خطرناکی می‌فرماید:

«وَإِنَّمَا يُؤْتِي خَرَابَ الْأَرْضِ مِنْ إِعْوَاذِ أَهْلِهَا، وَإِنَّمَا يُعْوِزُ أَهْلَهَا لِأَشْرَافِ أَنْفُسِ الْوُلَاةِ عَلَى الْجَمْعِ، وَسَوْءِ ظَنِّهِمْ بِالْبَقَاءِ، وَقِلَّةِ انْتِفَاعِهِمْ بِالْعِبَرِ؛ وَعَلَّتْ خَرَابُ زَمِينِ بِيْ بِيْ چيزی و تنگ‌دستی اهل آن زمین است و فقر و نداری آنان، ناشی از زراندوزی والیان و بدگمانی آنان به بقای حکومت و کم‌بهره‌گیری آنان از عبرت‌ها و پندهاست.» (نامه ۵۳ نهج البلاغه)

بنابراین برای بهبود امور اقتصادی مردم یک جامعه، باید مدیران شایسته و کاربلد را به کار گرفت و یا شیوه‌ی مدیریت را به سمت مطلوبی، مطابق با دستورات دینی هدایت نمود؛ زیرا امیرمؤمنان علی (ع) فرمودند: «فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلْحِ الْوَلَاةِ وَلَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ؛ پس رعیت اصلاح نمی‌شود جز آنکه زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند جز با استقامت رعیت.» (خطبه ۲۱۶)

۲- دستگاه قضایی عادل و مقتدر:

از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای قانون‌مداری در یک جامعه، داشتن دستگاه قضایی عادل و مقتدر می‌باشد. آنچه مسلم است، دستیابی به دستگاه قضایی شایسته‌ای است که ارتباط تنگاتنگی با شخصیت و ویژگی‌های قضاوت محترم دارد. (خسروی و لک‌زایی، ۱۳۹۵) از این رو امام علی (ع) به تعدادی از ویژگی‌هایی که لازم است قضاوت محترم داشته باشد، اشاره نموده‌اند که عبارتند از: افضلیت، تلاش و خستگی‌ناپذیری، عدم اثرپذیری از طرفین دعوا، پافشاری نکردن بر اشتباه، حق‌گویی، دوری از طمع، دقت و ریزینی در قضاوت و قاطع بودن. (نامه ۵۳)



دستگاه قضایی کشور تأثیر بارزی در جلوگیری از مفاسد اقتصادی مانند اختلاس، ربا، دزدی‌های کلان، خیانت و پامال شدن حقوق مردم جامعه دارد؛ لذا باید دستگاه قضایی قاطعیت لازم را در برخورد با مجرمان و مفاسد اقتصادی داشته باشد، تا ریشه‌ی فساد در جامعه‌ی اسلامی خشکانده شود. حضرت علی(ع) در دوران حکومت خود با قاطعیت تمام با مجرمان و مفسدان برخورد می‌کردند و درباره‌ی لزوم قاطع بودن قاضی در هنگام صدور رأی، خطاب به مالک اشتر فرمودند: «وَأَصْرَمَهُمْ عِنْدَ اتِّضَاحِ الْحُكْمِ، مِمَّنْ لَأَ يَزْدَهِيهِ إِطْرَاءُ، وَ لَأَ يَسْتَمِيلُهُ اغْرَاءُ، وَ أَوْلَيْكَ قَلِيلٌ؛ وَ دَرِ وَ قَتِ رُوشَن شَدَن حَكْمِ، اَز هَمِّه قاطع تر باشد، کسانی که با چابلوسی پاشیده نمی‌شوند (سست نمی‌شوند)، و سوسه نمی‌شوند و تعداد آن‌ها اندک است.» (نامه ۵۳)

۳- جهاد اقتصادی:

حضرت علی(ع) فرمودند: «الْجِهَادُ عِمَادُ الدِّينِ وَ مِنْهَا جُ السُّعْدَاءِ؛ جهاد در راه خدا استوانه‌ی دین و راه درخشان مردان سعادت‌مند است.» (جمال‌خوانساری، ۱۳۶۶. ج ۱، ص ۳۵۴) و آن حضرت در سخن دیگری می‌فرماید: «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ؛ جهاد در راه خدا دری از درهای بهشت است که خداوند آن را تنها برای اولیای خاص خود باز گذاشته است.» (خطبه ۲۷)

جهاد اقتصادی هم نوعی مبارزه در راه خداوند است؛ نهی از مفاسد اقتصادی و پایداری صادقانه در این عرصه از اهمیتی بنیادین برخوردار است. دشمنان اسلام نیز از صدر اسلام تا به امروز با حيله‌گری و مکر فراوان، به دنبال ضربه‌زدن به اسلام از جبهه‌های مختلف و به خصوص از جبهه‌ی اقتصادی بوده‌اند و محاصره‌ی اقتصادی پیامبر اکرم(ص) و مسلمانان صدر اسلام توسط کفار در شعب ابی‌طالب(ع) گواهی بر این مدعاست. زهد و عبادت مولای متقیان در کنار تلاش و جهاد در عرصه‌ی اقتصادی و آبادانی نخلستان‌ها و انفاق آن‌ها در راه خدا و برای معیشت مسلمانان در تاریخ زبانزد است. لذا اهمیت جهاد اقتصادی کمتر از جهاد جنگی در راه خدا نیست. (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵)

امام علی(ع) فرمودند: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ؛ فَسَاعَةٌ يَنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ، وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ، وَ سَاعَةٌ يَخْلِي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ. وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرْمَةٌ لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَةٌ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٌ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ؛ مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با پروردگار خود راز می‌گوید و ساعتی که در پی تحصیل معاش خویش است و ساعتی که به خوشی‌ها و لذات حلال و نیکوی خود می‌پردازد و عاقل در پی سه کار باشد: یا در پی اصلاح معاش خود، یا در کار معاد یا در پی لذت‌های غیرحرام.» (حکمت ۳۹۰) حال در رابطه با اهمیت کسب روزی به دو حدیث ارزشمند اشاره می‌نماییم. پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: «طَلَبُ الْحَلَالِ جِهَادٌ؛ یعنی به دنبال روزی حلال رفتن، جهاد در راه خداوند است.» (متقی‌هندی، ج ۱: ۹۲۰۵) هم‌چنین امام صادق(ع) فرمودند: «الشَّائِخِصُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که در پی درآمد و روزی حلال باشد، همانند مجاهد در راه خداست.» (مجلسی، ۱۴۰۳. ج ۱۰۳، ص ۱۷) پس بدیهی است که تلاش برای امرار معاش و تأمین زندگی خود و خانواده، در حکم جهاد در راه خدا قلمداد شود و به همین علت است که برای این عمل نیکو، واژه‌ی جهاد اقتصادی به کار برده شده است.



۴- حمایت از فعالان عرصه اقتصاد:

رکن اساسی و بدنه‌ی اقتصادی هر جامعه‌ای را، بازرگانان و صنعت‌گران آن جامعه تشکیل می‌دهند که به اصطلاح به آنان «فعالان اقتصادی» می‌گویند. اهمیت به این قشر از جامعه، ضامن توسعه‌ی اقتصادی است؛ زیرا فعالان اقتصادی به منزله‌ی پشتوانه‌ی محکم برای دولت، در بحران‌های اقتصادی محسوب می‌شوند. (بهرامی و مهدیه، ۱۳۹۶) امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر توصیه نموده‌اند که این قشر از جامعه را (بازرگانان و صنعت‌گران) مورد توجه خاص خود قرار دهد. آن حضرت (ع) خطاب به مالک اشتر چنین می‌نویسد: «ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالْتَّجَارِ وَ ذَوَى الصَّنَاعَاتِ، وَ اَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا؛ اینک سفارش مرا در حق بازرگانان و صنعت‌گران بپذیر و درباره‌ی آنها به کارگزارانت نیکو سفارش کن.» (نامه ۵۳) سپس امام (ع) ویژگی‌های خاص این گروه را برای مالک برمی‌شمارد: «فَإِنَّهُمْ سَلِمٌ لَا تُخَافُ بَأَثَمَتَهُ، وَصَلِحٌ لَا تُخْشَى غَائِلَتَهُ؛ اینان مردمی مسالمت‌جو هستند که نه از فتنه‌گری‌هایشان بیمی است و نه از شر و فسادشان وحشتی» (همان)

امیرالمؤمنین (ع) علت توجه خود به فعالان اقتصادی جامعه را این‌گونه برای مالک اشتر توضیح می‌دهند: «فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَأَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَجَلَابُهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَالْمَطَارِحِ، فِي بَرِّكَ وَبَحْرِكَ وَسَهْلِكَ وَجَبَلِكَ، وَحَيْثُ لَا يَلْتَنِمُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا وَلَا يَجْتَرُّونَ عَلَيْهَا؛ زیرا این گروه، خود مایه‌های منافع‌اند و اسباب رفاه و آسایش جامعه را فراهم می‌آورند و سودها را از سرزمین‌های دوردست در خشکی و دریا، زمین هموار و ناهموار، از مناطقی که مردم آنجا گرد هم نیابند و جرأت رفتن به آنجا را ندارند، به سوی مملکت تو می‌آورند.» (همان) بنابراین مهم‌ترین دستاوردهای فعالان اقتصادی منفعت‌رسانی، ایجاد آسایش و سودآوری است. به همین علت توجه به این قشر از جامعه، عامل برون‌رفت از مشکلات اقتصادی و تکیه به توان ملی و نیروهای داخلی است.

۵- مبارزه و مقابله با مفسد اقتصادی:

یکی از خطرناک‌ترین آفات و بیماری‌هایی که جامعه‌ی اسلامی را تهدید می‌کند، مفسد اقتصادی^۱ است. امام علی (ع) وجود مواردی از قبیل بخل و حسد، حرص و طمع، غصب اموال مردم، بی‌عدالتی در تقسیم بیت‌المال، اسراف در اموال جامعه، تبعیض طبقاتی، رشوه‌خواری و پایمال کردن حقوق مردم را از مصادیق مفسد اقتصادی می‌داند. (مولایی، ۱۳۹۲)

امیرالمؤمنین علی (ع) در دوران حکومت خود برخوردی قاطع با اشخاص فاسد داشت. ایشان در نامه‌ای به عبیدالله بن عباس، ضمن نکوهش او به خاطر خیانت در اموال عمومی مسلمانان، می‌نویسد: «پس آنگاه که فرصت خیانت یافتی شتابان حمله‌ور شدی و با تمام توان، اموال بیت‌المال را که سهم بیوه‌زنان و یتیمان بود، چونان گرگ گرسنه‌ای که گوسفند زخمی یا استخوان شکسته‌ای را می‌رباید، به یغما بردی و آن‌ها را به سوی حجاز با خاطری آسوده روانه کردی، بی آن که در این کار احساس گناهی داشته باشی.» (نامه ۴۱)

^۱Economic Corruption



مقام معظم رهبری هم در رابطه با برخورد قاطعانه با مفسدان اقتصادی فرمودند: «دستگاه‌هایی که با فساد مبارزه می‌کنند، نباید بگویند فساد در فلان جا بد است؛ اما در جای دیگر - اگر باشد - به آن بدی نیست. فساد، فساد است؛ در هر کس فساد وجود داشته باشد، باید با او مبارزه کنند. کسانی که با فساد مبارزه می‌کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حق فاسد و مفسد، مَر قانون را اعمال کنند. بنده به مسئولان دستگاه‌های اجرایی و قضایی تأکید کرده‌ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن‌جا را تحت نظارت خود قرار دهند و نگذارند از اوّل فساد به وجود بیاید.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

یکی دیگر از راه‌های مقابله با مفساد اقتصادی پیشگیری از وقوع فساد است؛ همان‌طور که همیشه گفته‌اند پیشگیری بهتر از درمان است. به منظور تحقق این امر باید کارگزارانی متعهد و متدین را روی کار آورد و مسئولیت‌های جامعه را به این افراد شایسته واگذار نمود. حضرت علی(ع) در نامه‌ی خود به مالک اشتر (فرماندار منصوب به ولایت مصر) سیمای کارگزاران دولتی را چنین مشخص می‌کند و می‌فرماید:

«سپس در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوی، که در مسلمانی سابقه‌ی درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمع و روزی‌شان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است. سپس روزی فراوان بر آنان آرزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان، اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند. سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفایه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده و او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن.» (نامه ۵۳)

پس طبق توصیه‌های گراندقدر امام علی(ع) استفاده از کارگزاران متدین، باتجربه و باحیا باعث پیشرفت در امور می‌شود؛ همچنین برخورداری کارگزاران دولتی از حقوق و دستمزد کافی، از خیانت آن‌ها به اموال عمومی جامعه جلوگیری می‌کند. امام(ع) در برخورد با خائنان بسیار قاطع بود، چنان‌که در نامه‌ای به زیاد بن ابیه می‌نویسد: «وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَنْ بَلَّغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ تَقِيلُ الظَّهْرَ ضَمِيلَ الْأَمْرِ؛ به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست که اگر به من خبر رسد که در غنایم مسلمانان به اندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که کم‌مایه مانی و بار هزینیه‌ی عیال بر دوشت سنگینی کند و حقیر و خوار شوی.» (نامه ۲۰)

بنابراین مقابله‌ی با فساد و مفساد اقتصادی یکی از اصول مهم در تفکرات امام علی(ع) می‌باشد.

۶- قناعت‌پیشگی و ساده‌زیستی در زندگی فردی و اجتماعی:



یکی از راهکارهای اساسی حضرت علی (ع) برای مقابله با زیاده‌خواهی در بین کارگزاران حکومتی و مردم، گسترش و اشاعه‌ی فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی در بین همه‌ی مردم و به خصوص صاحب منصبان حکومتی می‌باشد. (مولایی، ۱۳۹۲) آن حضرت در نامه‌های متعددی که به کارگزاران حکومتی خود می‌نویسد، آن‌ها را به زهد و ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی دعوت می‌کند. به عنوان مثال در نامه‌ای به شریح‌ابن حارث، قاضی کوفه می‌نویسد: «فَانظُرْ يَا شُرَيْحُ لَا تَكُونَ ابْتَعْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ أَوْ نَقَدْتَ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَلَالِكِ؛ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ؛ پس ای شریح بنگر، نکند که این خانه را از دارایی خود نخریده باشی یا نقدی که برشمرده‌ای از حلال به دست نیامده باشد؛ که اگر چنین باشد هم در دنیا زیان کرده‌ای و هم در آخرت.» (نامه ۳)

حضرت علی (ع) در رابطه با نکوهش رفتن به مهمانی‌های تجملی، در نامه‌ای به عثمان‌ابن حنیف انصاری می‌نویسد: «يَا ابْنَ حُنَيْفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجَفَانُ، وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوٌّ وَ غَنِيَّهُمْ مَدْعُوٌّ؛ فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضِمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظَةُ وَ مَا أَيَقَنْتَ بِطَيْبِ [وَجْهِهِ] وَ جُوهِهِ فَنَلَّ مِنْهُ؛ ای پسر حنیف، به من گزارش داده‌اند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پر از غذا پی‌درپی جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند، اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری. پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور بيفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن.» (نامه ۴۵) پس بر طبق فرمایشات امیرالمؤمنین علی (ع) بدیهی است که ساده‌زیستی مسئولان حکومتی و مردم جامعه می‌تواند در قانع بودن آن‌ها به زندگی آبرومندانه‌ی خود و پرهیز از تجمل‌گرایی مؤثر واقع شود و این یکی از عوامل مهم در جلوگیری از مفاسد اقتصادی به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری:

اقتصاد به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان و ابعاد نظام اجتماعی حکومت می‌باشد و نقش عمده‌ای در پیشرفت و توسعه‌ی جامعه دارد. امام علی (ع) به عنوان فردی که در بالاترین درجه‌ی تقوا و بندگی خدا قرار دارد، در دوران کوتاه حکومت خود، صحیح‌ترین روش‌ها را برای اداره‌ی جامعه‌ی زمان خود به کار گرفت؛ به همین دلیل، تمسک به سیره و روش ایشان در امور اقتصادی، بهترین راهکار برای دستیابی جوامع اسلامی به اقتصاد سالم و پویاست. امام علی (ع) در طول دوره‌ی حکومتش، تلاش‌های بسیاری برای ایجاد اصلاحات و مبارزه‌ی بی‌امان با مفاسد اقتصادی انجام داده است و برطبق تحلیل فرمایشات ایشان، برخی از شاخصه‌ها و اصول عرصه‌ی سیاست‌گذاری اقتصادی عبارتند از: مدیریت اقتصادی مطلوب، دستگاه قضایی عادل و مقتدر، جهاد اقتصادی، حمایت از فعالان عرصه‌ی اقتصاد، مبارزه و مقابله با مفاسد اقتصادی و قناعت‌پیشگی و ساده‌زیستی در زندگی فردی و اجتماعی. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که



رعایت اصول فوق در اداره‌ی جامعه، نویدبخش یک جامعه‌ی اسلامی مطابق با دیدگاه‌های امیرالمؤمنین علی (ع) در کتاب نهج‌البلاغه می‌باشد.

کتاب نهج‌البلاغه از گنجینه‌های گران‌بهایی است که در آن اصول کاربردی و ارزشمندی در همه‌ی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی آورده شده است. پیشنهاد می‌شود که مبانی و اصول اقتصادی اشاره شده در این کتاب ارزشمند، به عنوان اصول آرمانی اقتصاد اسلامی، مورد توجه کارگزاران حکومتی قرار گیرد و تلاش گردد تا در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی از این اصول رهگشا استفاده گردد.



منابع:

- بهرامی، حمزه‌علی و مهدیه، سمیه. تحلیلی بر سازوکارهای عملی اقتصاد مقاومتی در نهج‌البلاغه با تکیه بر وظایف دولت. فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی پژوهش‌های نهج‌البلاغه، دوره ۱۶، شماره ۴، ۱۳۹۶. صص ۸۰-۵۳.
- جمال خوانساری، محمدحسین. ۱۳۶۶. شرح غُرُرِ الْحِکْمِ وَ دُرُرِ الْکَلِمِ. جلد ۱، چاپ ۴، ص ۳۵۴. دانشگاه تهران، ایران.
- جهان‌بین، فرزاد و نعمتی، محمد. معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال ۳، شماره ۱۰، ۱۳۹۴. صص ۱۲۲-۱۰۳.
- حائری موسوی، سیدمحسن. ۱۳۷۸. الْفِکْرُ الْاِقْتِصَادِیُّ فِی نَهْجِ الْبَلَاغَةِ. ترجمه عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی. ص ۱. بنیاد نهج‌البلاغه.
- خامنه‌ای، سیدعلی. دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی‌الامام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده دهه فجر مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۳. آخرین بازبینی ۱۳۹۹/۵/۸ از <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3102>. شماره خبر ۳۱۰۲.
- خسروی، رضا و لک‌زایی، نجف. امنیت اقتصادی از دیدگاه امام علی(ع) با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر. فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی پژوهش‌های نهج‌البلاغه، دوره ۱۵، شماره ۳، ۱۳۹۵. صص ۱۳۳-۱۰۷.
- دشتی، محمد. ۱۳۹۶. نهج‌البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(ع). آثار فرهنگ برتر، چاپ چهارم. خطبه‌های ۲۷، ۴۰ و ۲۱۶. نامه‌های ۳، ۲۰، ۴۱، ۴۵ و ۵۳ و حکمت ۳۹۰.
- سیف، اله‌مراد. پیشگفتار سیاست‌های اقتصادی نهج‌البلاغه. آخرین بازبینی ۱۳۹۹/۵/۸ از <https://amseif.ir/?p=513>. شماره ۵۱۳.
- علم‌الهدی، سیدسجاد. روش‌شناسی اقتصاد اسلامی براساس عملکرد اقتصادی امام علی(ع). پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۷، شماره ۲، ۱۳۹۵. صص ۱۳۲-۱۰۳.
- متقی‌هندی، علی‌بن‌حسام‌الدین. ۱۴۱۹ق. کَنْزُ الْعَمَالِ فِی سُنَنِ الْأَقْوَالِ وَالْأَفْعَالِ. محقق محمود عمر دمیاطی، شماره ۹۲۰۵. دارالکتب‌العلمیه. بیروت، لبنان.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق. بحار الأنوار. جلد ۱۰۳، چاپ ۲، ص ۱۷. بیروت. لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق. بحار الأنوار. جلد ۴۰، چاپ ۲، ص ۳۲۷. بیروت. لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- معتمدلنگرودی، فاطمه و پرویش، محسن. بررسی شاخصه‌های اقتصاد سالم و آرمانی در سیره‌ی علوی با تأکید بر نامه‌ی پنجاه و سوم نهج‌البلاغه. فصلنامه‌ی علمی بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۶، شماره ۴۸، ۱۳۹۸. صص ۱۷۵-۱۵۱.
- مولایی، محمد. آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی(ع) در نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال ۱، شماره ۴، ۱۳۹۲. صص ۱۱۰-۹۴.
- یوسف‌زاده، محمدرضا. تبیین جایگاه و اصول رفتار اقتصادی مطلوب از دیدگاه امام علی(ع). فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سال ۴، شماره ۱۶، ۱۳۹۵. صص ۱۳-۱.
- یوسفی، احمدعلی. سیره اقتصادی امام علی(ع). فصلنامه مطالعات تفسیری، سال ۱، شماره ۳، ۱۳۸۹. صص ۲۲۰-۱۹۳.